

عدم اجرای تعهد مستند به عمل متعهدله و اثر آن بر مسئولیت قراردادی متعهد

(مطالعه تطبیقی در کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا
- وین ۱۹۸۰- و حقوق ایران)

دکتر فخرالدین اصغری آقمشهدی* پری‌ناز جلیل‌پور**

پذیرش: ۹۰/۳/۱۷

دریافت: ۸۹/۳/۱۷

متعهد / متعهدله / فعل یا ترک فعل / رابطه سببیت

چکیده

در عقد بیع، هریک از طرفین باید به تعهد خود مبنی بر تسلیم مبیع مطابق با قرارداد و تأدیه ثمن، عمل کنند. در غیر اینصورت، باید خسارت وارده به طرف مقابل را جبران کنند. هرگاه عدم اجرای تعهد، مستند به فعل یا ترک فعل طرف دیگر قرارداد باشد، متعهد به موجب ماده ۸۰ کنوانسیون، از مسئولیت معاف است. در حقوق ایران، گرچه نص صریحی که به صورت قاعده کلی به این موضوع پرداخته باشد، وجود ندارد ولی با استناد به قاعده اقدام، لزوم رابطه علیت بین نقض قرارداد و وقوع خسارت و برخی نصوص قانونی می‌توان گفت متعهد معاف از مسئولیت است.

طبقه‌بندی JEL: O34, G15

مقدمه

در قرارداد بیع، طرفین، یک سری تعهداتی را بر عهده می‌گیرند که به موجب قرارداد، باید در زمان مقرر آن‌ها را اجرا کنند. بایع ملزم به تسلیم کالای سالم و منطبق با قرارداد است، همچنین در صورتی که برای تسلیم میب، زمان و مکان معینی در نظر گرفته شده باشد، بایع باید تعهد خود را در همان زمان و مکان اجرا کند. از طرف دیگر، خریدار نیز ملزم به قبض میب و پرداخت ثمن است. در صورتی که هریک از طرفین قرارداد، در اجرای تعهدات خویش موفق نشوند و عدم اجرای تعهدات از سوی هریک از آن‌ها موجب ورود خسارت به طرف مقابل شود، برای متعهد قاصر، مسئولیت قراردادی به وجود می‌آید که طبق این مسئولیت، باید جبران زیان‌های وارده به طرف مقابل را بر عهده گیرد؛ اما ممکن است عدم اجرای تعهدات ناشی از عواملی باشد که امکان معافیت متعهد را از این مسئولیت فراهم آورد. به‌عنوان مثال، ممکن است اجرای تعهد، به‌علت وقوع شرایط اضطراری، غیرممکن شود یا عملی از ناحیه متعهدله (طرف مقابل) صورت گیرد که سبب عدم اجرای تعهد شود. این موارد در کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا (وین ۱۹۸۰)، تحت عنوان موارد معافیت ذکر شده است که شامل شرایط اضطراری، عمل شخص ثالث و فعل یا ترک فعل از ناحیه متعهدله است. در این مقاله که تنها به قسم اخیر پرداخته می‌شود، ابتدا به بررسی موضوع در کنوانسیون پرداخته و سپس به بررسی آن در حقوق ایران می‌پردازیم.

شایان ذکر است که ثمره پرداختن به موضوع مورد بحث جایی ظاهر می‌شود که یک طرف قرارداد ایرانی بوده و طرف دیگر از اتباع کشوری باشد که دولت متبوع‌شان به کنوانسیون ملحق شده و دادگاه صالح به موجب قواعد حل تعارض مقررات کنوانسیون را حاکم بر قرارداد بداند و یا طرفین خودشان آن را بر قرارداد خود حاکم کرده باشند. از طرفی، با توجه به این که دولت ایران به کنوانسیون ملحق نشده است و در صورت تصمیم جهت الحاق، لازمه الحاق، شناخت دقیق مقررات کنوانسیون است، اهمیت موضوع مورد بررسی در مقاله حاضر دو چندان می‌شود. بدیهی است در صورتی که قانون حاکم بر قرارداد، کنوانسیون نباشد، دادگاه صالح باید با مراجعه به قواعد حل تعارض قانون حاکم را مشخص سازد که بعد از صدور حکم بر مبنای قانون حاکم، طرفین قرارداد از جمله تاجر ایرانی

مکلف به تبعیت از آن خواهند بود.

الف- عدم اجرای تعهد مستند به عمل متعهدله و اثر آن بر مسئولیت قراردادی متعهد در کنوانسیون

مطابق ماده ۸۰ کنوانسیون «هیچ یک از طرفین نمی‌تواند تا جایی که قصور طرف دیگر، ناشی از فعل یا ترک فعل خود او باشد، به قصور طرف دیگر، استناد کند^۱». بنابراین، اگر متعهدله، خودش سبب عدم انجام تعهد شود، نمی‌تواند از بابت قصور متعهد، برای جبران خسارات وارده، به وی مراجعه کند. یکی از شارحین کنوانسیون، از این مورد با عنوان «شکست خودساخته^۲» نام برده است^۳. شایان ذکر است چنان‌که شارحین کنوانسیون بیان داشته‌اند، عبارت فعل یا ترک فعل مندرج در ماده ۸۰ شامل فعل یا ترک فعل مستخدمین متعهدله نیز می‌شود^۴. در ادامه، ابتدا تاریخچه و هدف وضع ماده ۸۰ و سپس شرایط قصور متعهدله برای استناد به معافیت مقرر در ماده مزبور بررسی می‌شود.

۱. تاریخچه و هدف از وضع ماده ۸۰

۱-۱. تاریخچه ماده ۸۰

ماده ۸۰ در پیش‌نویس طرح کار گروه آنیسترال وجود نداشت و به‌صورت یک طرح پیشنهادی در کنوانسیون وین مطرح شد. البته، به عقیده یکی از شارحین کنوانسیون، ماده مزبور بخشی از بند ۳ ماده ۷۴ قانون متحدالشکل بیع بین‌المللی (U.L.I.S.) است که مطابق آن معافیت از مسئولیت، مانع از لغو معامله یا تقلیل ثمن معامله نمی‌شود، مگر این‌که شرایطی که طرف قراردادی اول را مستحق معافیت می‌کند، به علت فعل طرف دیگر ایجاد شده باشد^۵. با این حال، این مقرر در طرح پیشنهادی نیامد، اما به‌عنوان یک اصلاحیه در کنوانسیون مطرح شد. نمایندگان برخی کشورها معتقد بودند که گنجاندن چنین مقرره‌ای در کنوانسیون بیهوده و لغو است. دلیل این دسته آن بود که اصل کلی حسن‌نیت در تمامی

1. A party may not rely on a failure of the other party to perform, to the extent that such failure was caused by the first party's act or omission.

2. Self-Made Failure.

3. Vilus (1986); p. 256.

4. Kritzer (1989); p.524.

5. Honnold (1980); p. 496.

مواد کنوانسیون حکمفرما است و این مقرر، در این اصل مستتر است. اما این دلیل مورد پذیرش اکثریت حاضر در جلسه قرار نگرفت. زیرا، معتقد بودند که استفاده مداوم از اصل حسن نیت باعث ناکارآمدی اصول دیگر کنوانسیون شده و به قاضی رسیدگی کننده اختیارات بیش از اندازه اعطا می کند، بنابراین، گنجاندن مقرر مزبور در کنوانسیون تأیید شد. نکته دیگری که باید در مورد آن تصمیم گیری می شد، جایگاه این ماده در کنوانسیون بود. دو جایگاه می توانست برای این ماده وجود داشته باشد؛ یا باید ذیل عنوان اصول کلی قرار می گرفت یا این که در کنار ماده ۷۹ و در بخش معافیت ها گنجانده می شد. در نهایت، جایگاه دوم پذیرفته شد و کنفرانس با تدوین یک مقرر مستقل و با به کارگیری واژه های موسع نشان داد برای این ماده همان جایگاهی را قائل است که برای ماده ۷۹ قائل است.^۱

۱-۲. هدف از وضع ماده

به نظر می رسد هدف از وضع ماده ۸۰ دستیابی به یک وحدت حقوقی بوده است. در اغلب سیستم های حقوقی دنیا، این مسأله محل تردید و تأمل است که اگر متعهدی در ورود ضرر به خویش نقش داشته باشد، آیا متعهد می تواند به رفتار او جهت معافیت خویش استناد کند یا خیر. این موضوع، تحت عنوان مشارکت در مسئولیت خوانده می شود. مطابق هدف کلی کنوانسیون که عبارت از ایجاد یک وحدت حقوقی در بین نظام های حقوقی رایج است، وضع این ماده به اختلافات در این خصوص پایان داده و تکلیف طرفین را در مواجهه با چنین مواردی معین ساخته است.

۲. شرایط معافیت متعهد از مسئولیت

مطابق ماده ۸۰ کنوانسیون، یک طرف قرارداد نمی تواند تا جایی که قصور طرف دیگر، ناشی از فعل یا ترک فعل خود او باشد، به قصور طرف دیگر استناد کند. مهم ترین نکته ای که باید در مورد اجرای ماده ۸۰ در نظر گرفته شود، آن است که باید دقت شود آیا اجرا صورت گرفته است یا خیر. به عبارت دیگر، تنها در صورتی که متعهد موفق به اجرای تعهدات قراردادی اش نشده باشد، امکان بررسی شرایط دیگر وجود دارد. این نکته مهم،

1. Ibid , p. 497; Tallon (1987); p. 596; Schlechtriem, p. 627.

2. Ibid.

وجه تمایز میان ماده ۷۹^۱ و ماده ۸۰ کنوانسیون را تشکیل می‌دهد. ماده ۸۰ به متعهدله این حق را نمی‌دهد که برای اجرای قرارداد بتواند به قصور طرف دیگر استناد کند چرا که این قاعده برخلاف ماده ۷۹ بر این باور است که قصور در اجرا، نقض قرارداد محسوب نمی‌شود.^۲

امری که علی‌الاصول، به عدم اجرای تعهد قراردادی منجر می‌شود، به دلیل ارتکاب فعل یا ترک فعلی از ناحیه متعهد است. در واقع، تا زمانی که متعهد در هر حالتی به وظیفه خویش عمل کند، عملاً جای بحث برای شمول ماده ۸۰ کنوانسیون پیش نمی‌آید. به موجب ماده مزبور، متعهد باید فعل یا ترک فعلی صورت داده باشد تا با جمع سایر شرایط مشمول معافیت شود. به عبارت دیگر، در ماده ۷۹ (شرایط اضطراری)، موضوع آن است که اگر متعهد قصوری داشته، به علت حدوث یک قوه قاهره بوده است و در ماده ۸۰ بحث بر سر آن است که اگر متعهد مرتکب قصوری در اجرای تعهداتش شده، به علت فعل یا ترک فعلی از ناحیه متعهدله بوده است. بنابراین، به قول یکی از شارحین کنوانسیون، عدم اجرا از سوی متعهد صورت می‌گیرد اما علت آن متعهدله است.^۳

شایان ذکر است در مواردی که عدم اجرای قرارداد مستند به فعل یا ترک فعل متعهدله باشد، نامبرده حق مطالبه خسارت را از دست داده و متعهد از پرداخت خسارت معاف می‌شود؛ اما سؤالی که مطرح می‌شود این است که آیا متعهدله سایر روش‌های پیش‌بینی شده برای جبران نقض قرارداد را که در کنوانسیون مطرح شده است (حق فسخ قرارداد در صورت اساسی بودن نقض قرارداد،^۴ تقلیل ثمن و اجرای عین تعهد)، از دست خواهد داد؟ در صورتی که عدم اجرای قرارداد در نتیجه حادثه خارجی و شرایط اضطراری باشد، به موجب بند ۵ ماده ۷۹ کنوانسیون، از دست رفتن حق مطالبه خسارت مانع توسل

۱. ماده ۷۹ کنوانسیون: «(۱) طرفی که هریک از تعهدات خویش را ایفا نکرده است چنانچه ثابت نماید که عدم ایفا به واسطه حادثه‌ای خارج از اقتدار او بوده که نمی‌توان عرفاً از او انتظار داشت که در زمان انعقاد قرارداد آن حادثه را پیش‌بینی کرده یا از آن یا از آثار آن اجتناب کرده یا آن‌ها را دفع کرده باشد مسئول نخواهد بود. (۲) ...»

2. Tallon (1987); p. 597; Schlechtriem, p. 628.

3. Tallon (1987); p. 598.

۴. ماده ۲۵ کنوانسیون در مورد نقض اساسی مقرر می‌دارد: «نقض قرارداد از سوی یکی از اصحاب دعوی در صورتی اساسی محسوب می‌شود که منجر به ورود آن چنان خسارتی به طرف دیگر شود که او را به‌طور عمده از آنچه استحقاق انتظار آن را به‌موجب قرارداد داشته است، محروم نماید، مگر این که طرف نقض‌کننده چنین نتیجه‌ای را پیش‌بینی نمی‌کرده و یک فرد متعارف همانند او نیز در شرایط و اوضاع و احوال مشابه چنین نتیجه‌ای را نمی‌توانسته پیش‌بینی کند.»

به سایر روش‌های جبران خسارت نمی‌شود. اما چنین مقرره‌ای در ماده ۸۰ پیش‌بینی نشده و چنان‌که برخی شارحین کنوانسیون بیان داشته‌اند، متعهدله حق توسل به سایر روش‌های جبران خسارت را ندارد^۱ و همین امر از سوی شارحین مزبور به‌عنوان یکی از وجوه افتراق ماده ۷۹ و ۸۰ کنوانسیون بیان شده است. در واقع، متعهدله با فعل و یا ترک فعل خود به زیان خویش عمل کرده و تمام راه‌ها را بر روی خویش بسته است. لازم به ذکر است شارحین کنوانسیون درباره سرنوشت قرارداد در این خصوص چیزی نگفته‌اند. در مواردی که عدم اجرا به دلیل شرایط اضطراری باشد، با استفاده از مفهوم بند ۳ ماده ۷۹ باید گفت که دائمی بودن مانع خارجی قرارداد را منحل می‌کند. با توجه به مطالب مذکور، اصلاح کنوانسیون و مشخص کردن وضعیت قرارداد امری ضروری به‌نظر می‌رسد. در ادامه شروط معافیت متعهد از مسئولیت بررسی شده است.

۲-۱. تحقق فعل یا ترک فعل از سوی متعهدله

مطابق ماده ۸۰ کنوانسیون، باید از ناحیه متعهدله، فعل یا ترک فعلی صورت پذیرد تا مشمول این ماده شود. به‌عبارت دیگر، این شرط، عامل تعیین‌کننده اعمال ماده ۸۰ است. نکته مهمی که باید در این بین به آن دقت شود، این است که آیا این فعل یا ترک فعل، باید نوع مشخصی داشته باشد و اگر چنین است، چه نوعی مدنظر کنوانسیون است؟ یکی از مفسران در پاسخ به این سؤال می‌نویسد: «به‌طور کلی، هر رفتاری از جانب متعهدله، کافی است تا ماده ۸۰ کنوانسیون اعمال شود. در اینجا شرط نیست که فعل یا ترک فعل وی، به دلیل تقصیر او باشد. همچنین معافیت ماده ۷۹ کنوانسیون، مدنظر نیست. به‌علاوه، لازم نیست فعل یا ترک فعل متعهدله، باعث فسخ قرارداد شده باشد. با این حال، در قراردادهایی که رفتار معینی را مقرر داشته و متعهدله نیز آن را به‌طور ضمنی پذیرفته، صرف نقض قرارداد از سوی متعهد، تنها به این دلیل که بگوید شرایط ایجاب می‌کند، نمی‌تواند برای استناد به ماده ۸۰ کنوانسیون کافی باشد. فعالیت، بر طبق یک الزام قراردادی برای انجام عملی معین نمی‌تواند به‌عنوان ضرر یک طرف محسوب شود. از این رو، این موضوع باید در ترک فعل یک طرف نیز معتبر باشد. بنابراین، قصور متعهدله در ماده ۸۰ شامل همکاری نامناسب یا

1. Schwenzer & Fountoulakis (2006); p.577; Schwenzer & Manner (2008); p. 470-488; Lookofsky, p. 167.

عدم همکاری او بوده که تبعات آن، قصور متعهد در اجرای صحیح تعهداتش است.^۱ به نظر یکی از شارحین کنوانسیون، این عبارت، ضرورتاً شامل نقض تعهد توسط متعهدله می‌شود.^۲ برای مثال، دادن اطلاعات غلط یا ناکارآمد به فروشنده، درخصوص ارسال کالا یا ارسال این اطلاعات با تأخیر، به نحوی که فروشنده عملاً قادر به استفاده از آنها نیست و در نتیجه، برای خریدار کالای غیرمنطبق با قرارداد ارسال می‌کند.^۳

رفتار متعهدله می‌تواند دو اثر داشته باشد: (۱) ممکن است واقعاً سبب نقض قرارداد شود و به عبارت دیگر، قرارداد به واقع نقض می‌شود، مثلاً در جایی که اطلاعات فنی طراحی برای کالاهایی که باید توسط فروشنده ساخته شود، از سوی خریدار برای او ارسال نشود و در نتیجه فروشنده قادر به ساخت کالا نخواهد بود. (۲) ممکن است سبب بهم خوردن تعادل معاوضی قرارداد شود به نحوی که متعهد تصور کند ادامه اجرای قرارداد برای او، تعادل قراردادی و سود حاصل و منافعش را از قرارداد به مخاطره می‌اندازد. به عنوان مثال، فروشنده کالاها را به دلیل عدم گشایش اعتبارنامه از سوی خریدار ارسال نمی‌کند و خریدار نیز به دلیل آن که کالایی دریافت نکرده از پرداخت وجه خودداری می‌کند.^۴ نکته دیگری که باید به آن دقت شود این است که آیا فعل یا ترک فعل متعهدله می‌تواند در وادی ضمان قهری بگنجد؟ در پاسخ به این سؤال می‌توانیم از دو منظر به این موضوع نگاه کنیم: از یک طرف، عبارات به کار گرفته شده در این متن آن چنان کلی و موسع است که می‌توان این مسئولیت را نیز در قلمرو ماده ۸۰ گنجانند. از طرف دیگر، تفاوت‌های میان مسئولیت قراردادی و قهری در سیستم‌های مختلف حقوقی بسیار متمایز است و ماده ۷ کنوانسیون همواره به ضرورت ایجاد هماهنگی میان سیستم‌های حقوقی تأکید می‌کند.

برخی شارحین در این خصوص معتقدند که اگر اقدام متعهدله مربوط به عدم اجرای تعهدات متعهد باشد، باید در هنگام تعیین روش‌های جبران خسارات حاصله از عدم اجرای قرارداد و محاسبه آن، این موضوع در نظر گرفته شود. به عبارت دیگر، این حقوقدان‌ها معتقدند که این ماده باید شامل ضمان قهری متعهدله نیز بشود.^۵ یکی از موافقان این نظر

1. Schafe (2004).

2. Tallon (1987); p. 597.

3. Schlechtriem, p. 629.

4. Enderlein & Maskow (1992); p. 338.

5. Tallon (1987); p. 598.

در این خصوص مثالی بیان می‌کند؛ وی معتقد است اگر کارگران استخدام شده خریدار، به‌خاطر سهل‌انگاری، کالاها را در مکان تولید فروشنده خراب کنند، مورد مشمول ماده ۸۰ است، هرچند که این قصور ناشی از ضمان قهری (مسئولیت ناشی از فعل غیر) باشد.^۱

«در تاریخ ۲۰/۰۲/۲۰۰۲ در رأی صادره از سوی دادگاه Landgericht munche آلمان، در پرونده شماره ۱ O ۵۴۲۳/۰۱، دادگاه فروشنده را به‌دلیل این که نقض قرارداد از سوی وی مستند به عدم پرداخت ثمن از سوی خریدار بوده است، مسئول جبران خسارت وارده به خریدار ندانست. در پرونده مزبور، یک فروشنده ایتالیایی و یک خریدار آلمانی، برای فروش کفش قراردادی منعقد کردند. میان طرفین در خصوص مقدار دقیق سفارش‌های خرید و مطابقت کالاها (از حیث کمیت) اختلاف حاصل شد. فروشنده به‌دلیل آن که خریدار قیمت توافق شده را نپرداخت، فقط قسمتی از کفش سفارشی را تحویل داد و به طرفیت خریدار، برای دریافت ثمن معامله، مطابق ماده ۵۳ کنوانسیون طرح دعوا کرد. خریدار در دفاع اظهار داشت که کالاها مطابق با قرارداد نبوده و فروشنده باید خسارت ناشی از عدم‌النفع را بپردازد. دادگاه با استناد به ماده ۵۳ کنوانسیون به نفع فروشنده رأی داد و ادعای خریدار برای دریافت خسارت را رد کرد. در واقع، مطابق ماده ۵۸ کنوانسیون، خریدار ملزم است فوراً تمام مبلغ را به‌محض دریافت مورد معامله بپردازد، مگر این که طرفین به‌نحو دیگری توافق کرده باشند و یا عرف، ترتیب دیگری را مقرر کند و این امتناع خریدار از پرداخت ثمن بود که فروشنده را به توقف تحویل مابقی کالاها و ادار کردن و بنابراین، خریدار بر مبنای ماده ۸۰، حق خود را برای دریافت خسارت از دست داده است...»^۲.

«همچنین در پرونده دیگری که یک فروشنده آلمانی و یک خریدار سوئیسی برای خرید وسایل صنعتی قراردادی منعقد کردند، قرار بر این شد که کالای مزبور توسط تولیدکننده‌ای که سابقاً با فروشنده قرارداد منعقد کرده بود، تأمین شود. خریدار اولین قسط ثمن را قبل از تسلیم مبیع از سوی فروشنده، پرداخت کرد. سپس کارخانه‌دار قراردادش را با فروشنده فسخ کرد. با این وجود، خریدار و کارخانه‌دار، در حضور فروشنده قرار گذاشتند که وسایل صنعتی، به اقامتگاه تجاری خریدار حمل شود. خریدار باقی ثمن را مستقیماً به

1. Enderlein & Maskow (1992); p. 337.

2. www.unilex. Info/case.cfm?pid=1&do=case&id=904 &step=Abstract.

کارخانه‌دار (تولیدکننده) پرداخت کرد و بعداً اعلام کرد که قراردادش با فروشنده لغو شده است. فروشنده به طرفیت خریدار به خواسته مطالبه وجه طرح دعوا کرد. دادگاه (Landgericht Dusseldorf) آلمان در تاریخ ۱۹۹۲/۰۷/۰۹ رأی داد که خریدار به استناد ماده ۸۰ کنوانسیون حق فسخ قراردادش را با فروشنده نداشت. خریدار با توجه به قرارداد ملزم به قبول تحویل کالا از تولیدکننده بود. به‌ویژه، این رفتار سبب شد که فروشنده فرض کند که تعهداتش را نسبت به خریدار انجام داده است. بنابراین، کوتاهی در اجرا از سوی فروشنده به دلیل رفتار خود خریدار بوده است (ماده ۸۰ کنوانسیون). علاوه بر این، اگر خریدار بیم داشت که فروشنده به دلیل فسخ قرارداد میان وی و تولیدکننده عقد را اجرا نکند، باید یک زمان اضافی برای اجرای قرارداد یا اعلام این مطلب که قرارداد فروش بلافاصله پس از رسیدن اخطار فسخ قرارداد توزیع کالا باطل شده بود، تعیین می‌کرد^۱.

در پرونده دیگری «یک فروشنده هلندی و یک خریدار آلمانی قراردادی برای خرید و فروش انواع مختلف منسوجات (پتوهای اکریلیک) منعقد ساختند. خریدار چهار روز پس از تحویل کالاها به جهت عدم مطابقت آنها با قرارداد طرح دعوا کرد و از پرداخت ثمن امتناع کرد. فروشنده برای استرداد پرداخت کامل ثمن اقامه دعوا کرد و خریدار، برای دریافت خسارت به علت عدم مطابقت کالا با قرارداد دعوای متقابل طرح کرد. دادگاه بدوی Oberlandesgericht Koblenz آلمان در تاریخ ۱۹۹۷/۰۱/۳۱ به نفع فروشنده رأی داد و دادگاه پژوهش نیز رأی بدوی را تأیید کرد. دادگاه با در نظر گرفتن فقدان کمیت، دریافت که خریدار به‌طور کافی ماهیت عدم مطابقت را مطابق بند ۱ ماده ۳۹ کنوانسیون معین نکرده و نوع فقدان پتوها را مشخص نکرده بود. بنابراین، قرارداد نمی‌توانست باطل اعلام شود. از این رو، حق استناد به عدم مطابقت از دست رفت... خریدار، همچنین مستحق تقلیل ثمن نیز شناخته نشد، چرا که از قبول اجرای قرارداد توسط فروشنده، بر مبنای ماده ۴۸ کنوانسیون امتناع کرد... دادگاه بیان داشت که با در نظر گرفتن ادعای خریدار برای دریافت خسارات، (از دست رفتن منافع)، مطابق ماده ۸۰، خریدار حق خود را برای دریافت خسارت از دست داده است، زیرا از راه‌حل فروشنده در خصوص عدم مطابقت، امتناع کرده بود^۲.

1. www. Unilex. Info/case.cfm?pid=1&do=case&id=171 &step=Abstract.

2. www.unilex. info / case. cfm ? pid = 1 & do = case & id = 223 & step Abstract.

۲-۲. رابطه سببیت بین عدم ایفاء تعهد و فعل یا ترک فعل متعهدله

عدم ایفاء تعهد، باید به فعل یا ترک فعل متعهدله مربوط باشد. به عبارت دیگر، رابطه علیت میان این فعل یا ترک فعل از ناحیه متعهدله و عدم اجرای تعهد ناشی از فعل یا ترک فعل متعهد باید برقرار باشد. برای سببیت، محدودیت وجود ندارد، بلکه سببیت غیرمستقیم نیز عموماً کافی است. به عنوان مثال، اگر خریدار از ارائه رهنمودها یا اطلاعات مورد نیاز فروشنده برای تکمیل ماشین سفارش شده امتناع ورزد و تصادفاً برای ماشین مشکلی پیش آید، فروشنده را باید معاف از مسئولیت دانست.^۱ چنان که ملاحظه می شود در مثال مزبور اگر متعهد اطلاعات لازم را در اختیار فروشنده قرار می داد کالا به موقع آماده و تحویل داده می شد و در محل کار فروشنده از بین نمی رفت.

در جایی که نقض قرارداد، تنها به علت قصور متعهدله نباشد، بلکه به طور جزئی به رفتار متعهد نیز باز گردد، این سؤال مطرح می شود که آیا رابطه سببیت وجود دارد. درخصوص این سؤال یکی از این دو روش زیر پیشنهاد شده است:

(۱) تقسیم بندی علل با توجه به درجه آنها؛ بدین معنی که سهم هر کدام از علتها با توجه به این که درجه احتمال آن به چه میزانی بوده، ارزیابی شود؛ سپس با توجه به این معیار و درجه سهم هریک در جبران خسارت معین می شود. از نظر شارحین کنوانسیون، این روش با متن کنوانسیون، همخوانی بیش تری دارد.^۲ مطابق این نظر، متعهدله نیز می تواند از این ماده استفاده و نسبت به میزانی که قصور نداشته، خسارت مطالبه کند.

(۲) مقایسه درجه اهمیت رفتارهای هریک از متعهد و متعهدله در این عدم اجرا. به عبارت دیگر، باید تئوری تقصیر را در نظر گرفت. اما از نظر یکی از شارحین کنوانسیون، با توجه به آن که کنوانسیون تئوری تقصیر را کنار گذاشته است، این معیار در اینجا کاربرد ندارد؛^۳ اما حقوقدان دیگری با در نظر گرفتن این روش، در واقع آن را پذیرفته است. حقوقدان مزبور، سه حالت را در نظر گرفته است:

- حالت اول آن است که نتایج علت های مختلف از یکدیگر قابل تفکیک باشد؛

1. Schlechtriem, p. 630-631.

2. Tallon, op.cit, p. 599.

3. Ibid.

در این صورت، هر علت باید به میزان دخالتش جبران خسارت را بر عهده بگیرد. با این وجود، باید آنچه سبب نقض قرارداد شده، متمایز شود. الف) زمانی که نقض قرارداد به علت فعل یا ترک فعلی از ناحیه متعهدله باشد – که بهترین مثال برای آن یک ایجاب دیر هنگام است – اما این عدم اجرا به دلیل آن که متعهد رفتار مورد درخواست قرارداد را انجام نداده بود، ادامه می‌یابد. در دوره اول به علت فعل یا ترک فعل از ناحیه متعهدله جبران خسارت بر عهده خود اوست، اما جبران خسارات، در دوره دوم، به علت نقض تعهدات از سوی متعهد به عهده وی است...

ب) از نظر ما، در جایی که نقض قرارداد به دلیل مجموع تقصیرات طرفین اساسی می‌شود، تغییر در ویژگی نقضی که به علت فعل یا ترک فعل متعهدله ایجاد شده، بی‌ربط است. به عبارت دیگر، متعهدله حق دارد خسارت مطالبه کند اما حق اجتناب از قرارداد را ندارد.

- حالت دوم آن است که وقتی نقض قرارداد، هم به متعهد و هم به متعهدله بازگردد، همین اثر مشابه را دارد. به عنوان مثال، فروشنده آماده تسلیم نیست و خریدار نیز تعلیمات لازم برای ارسال را نداده یا اقدام به گشایش اعتبار اسنادی نکرده است؛ در این حالت، فعل یا ترک فعل متعهدله بیش تر می‌شود. بنابراین، طرف قاصر نمی‌تواند ادعای نقض قرارداد را به علت نتایج فعل یا ترک فعل متعهدله بنماید. این نتیجه در جایی که قرارداد توسط طرفین، نه اجرا می‌شود و نه باطل می‌شود، به بن بست می‌رسد (البته تفاوتی در میان حالت اول و دوم یافت نمی‌شود).
- حالت سوم آن است که قصور طرفین تا حدی به یکدیگر نزدیک باشد که نتوان اثراتشان را از هم جدا کرد و همچنین نمی‌توان بر نقض قراردادی که نتیجه آن وضعیت است، بار شود. به عنوان مثال، وقتی خریدار طرحی را مقرر می‌دارد که تا حدی قابل تحقق نیست. فروشنده نیز بدون توجه به نظر خریدار اقدام به اصلاحات و تغییراتی می‌کند که مناسب و مطلوب قصد خریدار نیست. در این گونه موارد همان گونه که برخی شارحین کنوانسیون نیز معتقدند، اثرات قانونی نقض قرارداد، در جایی که نمی‌توان اسباب این نقض را در نظر گرفت، تقلیل می‌یابد.¹

1. Enderlein and Maskow (1992); pp. 338.339.

البته، به نظر می‌رسد منظور از تقلیل یافتن در عبارت فوق آن باشد که میزان تقصیر متعهدله در این اتفاق می‌تواند از سهم او در رجوع به متعهد برای اخذ خسارت بکاهد.

یکی دیگر از شارحین نیز بیان می‌کند که اظهارات دیگر شارحین تنها سوءتعبیر از عبارت «تا حدودی» در این ماده است در حالی که این عبارت فقط به آن معناست که نقض قرارداد از سوی متعهد، صرفاً تا این حد واضح و محرز است که رفتار متعهدله، موجب ایجاد آن شده باشد و این عبارت به اثرات حقوقی اصل ۸۰ مربوط نمی‌شود و این ماده باید به طور مضیق تفسیر شود.

در ادامه به آراء مربوط به مورد فوق که بر مبنای قواعد کنوانسیون صادر شده است، اشاره می‌شود:

۱) فروشنده آلمانی و خریدار ایتالیایی قراردادی برای فروش ۱۱ اتومبیل به قیمت معین منعقد کردند. ماشین‌ها باید تا آخر اکتبر تحویل داده شوند. حدود یک ماه پس از انعقاد قرارداد، فروشنده از طریق نامه قیمت دقیق هر ماشین را به خریدار اطلاع داد. همچنین، در نامه‌ای مشابه به خریدار اطلاع داده شد که ماشین‌ها باید در طی جولای، اوت و سپتامبر یا اکتبر تحویل داده شود. خریدار به وسیله پس فرستادن نامه اصلی فروشنده، جواب داد و اضافه کرد که خواسته شده که همه ماشین‌ها در جولای یا اوت و حداکثر تا ۱۵ اوت، حمل شود. چند روز پس از ۱۵ اوت، فروشنده به خریدار اطلاع داد که پنج عدد از ماشین‌های سفارشی برای تحویل آماده‌اند و شش ماشین باقی‌مانده تا شروع اکتبر برای تحویل آماده می‌شوند. آخر اکتبر، فروشنده به خریدار متذکر شد که به دلیل نوسان رایج مادی نمی‌تواند ماشین‌ها را در آن مدتی که متعهد شده تحویل دهد و درخواست کرد که خریدار مدت تحویل را تا وقتی وضعیت رایج به حالت معمول خود برگردد، تمدید کند. فروشنده برای منافع از دست‌رفته‌اش، به دلیل نقض قرارداد از سوی خریدار، ادعای خسارت کرد. خریدار دعوایی جهت اعاده مبلغی که فروشنده به وسیله اجرای یک ضمانت تحصیل کرده بود، اقامه کرد و خساراتی را مطالبه کرد که نقض قرارداد از سوی فروشنده به جهت تأخیر در

تحویل باعث شده بود... دادگاه آلمان در تاریخ ۱۹۹۵/۲/۸ رأی داد که قصور خریدار برای دریافت کالاها، شامل نقض قراردادی شده است که براساس آن، فروشنده برای ادعای خسارت محق می‌شد، اگرچه خریدار به دلیل آن که فروشنده در تخفیف یا تعدیل خسارات، بر مبنای ماده ۷۷ کنوانسیون، قصور ورزیده بود، هیچ‌گونه خسارتی پرداخت نکرد. به‌ویژه دادگاه فهمید که فروشنده برای تقلیل خسارت، می‌بایستی فی‌نفسه مطابق بند ۲۱ ماده ۶۱ کنوانسیون، از راه‌حلی‌هایی استفاده می‌کرد (مانند تعیین یک مدت زمان معقول اضافی برای اجرای قرارداد یا لغو آن) که ممکن بود به خریدار اجازه اجرا دهد. در واقع، به نظر دادگاه، راه‌های جبران قابل استفاده برای فروشنده، به موجب بند ۲۱ ماده ۶۱، مخصوصاً در اینجا تضمین شده است، چرا که خریدار نه تنها در آخرین جوابش قصد امتناع از تسلیم را نداشته بلکه صرفاً در نظر داشت که از ضررهای سنگین نوسان‌های رایج اجتناب کند. دادگاه رأی داد که تقصیر فروشنده برای دادن این شانس به خریدار که اقدام معقولی را انجام دهد، باید برای محاسبه مقدار خسارات حساب شود. در این نظر، فروشنده باید در موقعیتی مشابه قرار گیرد که آیا شخص در وضعیت مشابه نیز می‌توانست قرارداد را اجرا کند؟ بنابراین، دادگاه هیچ خسارتی به فروشنده اعطا نکرد. سپس دادگاه موقعیت خریدار را در نظر گرفت. خریدار این حق را داشت که به دلیل آن که فروشنده واقعاً کالاها را تحویل نداده بود، از قرارداد اجتناب کند. این امر، خریدار را برای استرداد مقدار پولی که توسط فروشنده به دلیل اجرای ضمانت دریافت کرده بود، محق می‌ساخت (بند ۲ ماده ۸۱ کنوانسیون). با نگاهی به ادعای خسارت خریدار، دادگاه فهمید که عدم تحویل کالاها به دلیل قصور خریدار برای تحویل گرفتن بوده است. بنابراین، این مسأله منتهی می‌شود به این که خریدار حق خود را برای دریافت خسارات (مطابق ماده ۸۰ کنوانسیون)، از دست می‌دهد...!

۲) در پرونده‌ای دیگر یک شرکت آلمانی و یک شرکت اتریشی مذاکراتی درخصوص انعقاد قرارداد کلی بدون تحصیل یک توافق قطعی بر آن، انجام دادند. مدت کوتاهی بعد از آن، همان اشخاص قرارداد فروشی را منعقد کردند که به موجب آن، شرکت آلمانی (فروشنده) باید برای شرکت اتریشی (خریدار) گاز پروپان می‌فرستاد. ضمناً خریدار تصریح کرد که کالاها باید به بلژیک فرستاده شود. مطابق با قرارداد، پرداخت باید از طریق اعتبارات

اسنادی انجام می‌گرفت. پس از آن خریدار مکرراً اعلام کرد که فروشنده مطابق توافق قراردادی، بندر کشتیرانی را معین کند. بدون انجام این کار، خریدار نمی‌توانست اعتبارات اسنادی را بگشاید و به اطلاع فروشنده برساند. فروشنده در پاسخ متذکر شد که تأمین‌کننده مواد، برای صادرات گاز به کشورهای بنولوکس، موافقت نکرده است و بنابراین از تحویل گاز امتناع کرد. خریدار برای مطالبه خسارت از جمله مبلغی که به وسیله مشتری‌ای که سابقاً گاز را فروخته بود، دعوایی را مطرح کرد. فروشنده، دعوی متقابل مبنی بر این که هیچ قراردادی منعقد نشده بود، مطرح کرد؛ چرا که برخلاف شرایط استاندارد فروشنده، قبول خریدار کتبی نبود. همچنین خریدار، گشایش اعتبار نیز نکرده بود... در پرونده مورد بررسی، فروشنده مدرکی ندارد که خریدار شرایط استاندارد فروشنده را می‌دانسته یا از قصد فروشنده برای ارجاع به توافق اصلی خبر داشته و یا هرگز قراردادی منعقد نشده و فروشنده به انواع دیگری از قراردادها اشاره کرده است. دادگاه اتریش در تاریخ ۱۹۹۶/۲/۶ نظر داد که مطابق با ماده ۵۴ کنوانسیون اگرچه تعهدات خریدار به پرداخت قیمت، شامل گشایش اعتبار اسنادی نیز می‌شد، اما فروشنده نمی‌توانست به قصور خریدار در گشایش اعتبار اسنادی استناد کند. زیرا، برخلاف توافق قراردادی بندر مبدأ را معین نکرده بود و خریدار تعهدی نداشت که یک نامه اعتبار اسنادی بدون قید مبلغ اعتبار تحصیل کند. از این‌رو، دادگاه با این استدلال که فروشنده تعهدات خویش را مبنی بر تحویل کالای عاری از هرگونه حق یا ادعای شخص ثالث رعایت نکرده است، خریدار را مستحق دریافت خسارت دانست.^۱

۳) در پرونده ATT v. Armco به شماره ۹۵-۱۳/۲۴ یک فروشنده بلاروسی و یک خریدار بلغاری قراردادی درخصوص خرید و فروش یخچال و فریزر منعقد کردند. پس از آن که خریدار نسبت به پرداخت قیمت بخشی از کالاهای دریافت‌شده قصور ورزید، فروشنده برای گرفتن ثمن معامله طرح دعوا کرد. خریدار استدلال کرد که قصور وی در پرداخت قیمت به این دلیل بوده است که فروشنده اجرای قرارداد را بدون توجیه و یک طرفه معلق کرده است و کالاها با عیب مخفی تحویل داده شده بود. دیوان داوری بین‌المللی بلاروس در تاریخ ۱۹۹۵/۱۰/۵، در ماهیت قضیه، استدلال خریدار را مبنی بر این که عدم

1. www.unilex. Info/case.cfm?pid=1&do=case&id=202 &step=Abstract.

پرداخت از سوی خریدار به دلیل عدم تحویل کالاها توسط فروشنده بوده است، رد کرد. بر مبنای ماده ۸۰ کنوانسیون، یک طرف قرارداد نمی تواند زمانی که عدم اجرای قرارداد مستند به فعل یا ترک فعل از ناحیه خود او است، به عدم اجرای قرارداد از سوی طرف دیگر قرارداد استناد کند. در پرونده حاضر، دادگاه دریافت وقتی خریدار در پرداخت قیمت بخش مهمی از کالاها (که سابقاً تحویل داده شده بود) قصور می ورزد نمی تواند به امتناع بعدی فروشنده از تسلیم کالاها اضافه ای اضافی به عنوان دلیلی برای عدم پرداخت استناد کند. علاوه بر این، دادگاه دریافت که تعلیق اجرا توسط فروشنده مطابق با ماده ۷۱ کنوانسیون بوده که به یک طرف قرارداد اجازه می دهد که زمانی که احراز شود طرف دیگر قرارداد تعهداتش را اجرا نمی کند، یک طرفه اجرا را معلق کند. در واقع، خریدار سابقاً مقدار زیادی بدهی به فروشنده به وجود آورده بود و مدام نسبت به پرداخت ماهانه مبلغ توافق شده قصور می ورزید. از این رو، فروشنده حق داشت تحویل کالاها را متوقف سازد!

ب) عدم اجرای تعهد مستند به عمل متعهدله و اثر آن بر مسئولیت قراردادی متعهد در حقوق ایران

در حقوق ایران برخلاف کنوانسیون، نص صریحی وجود ندارد که به صورت یک قاعده کلی به عدم مسئولیت متعهد در صورت مستند بودن عدم اجرا به فعل یا ترک فعل متعهدله اشاره کرده باشد. برخی مؤلفان حقوقی نیز بدون ارائه دلیلی صرفاً به ذکر عدم مسئولیت متعهد در چنین صورتی اکتفا کرده اند.^۱ در تألیفات حقوقی راجع به ضمانت اجرای دیگر مثل حق فسخ و الزام متعهد به اجرای تعهد و وضعیت قرارداد از حیث بقا یا انحلال، چیزی گفته نشده است. به نظر می رسد متعهدله حق فسخ قرارداد را ندارد؛ زیرا، این امر به معنی دادن امتیاز به کسی است که به واسطه فعل یا ترک فعل او، تعهد اجرا نشده است. به عنوان مثال، اگر اجرای قرارداد به دلایلی چون کاهش ارزش مبیع در بازار به نفع خریدار نباشد، ممکن است خریدار اقداماتی انجام دهد که با بیع موفق به اجرای تعهد خود نشود تا بتواند معامله را فسخ کند. از طرفی، قرارداد منفسخ نیز نمی شود زیرا، اصل بر بقای قرارداد است

1. www.unilex.info/case.cfm?pid=1&do=case&id=1130.&step=Abstract.

۲. قاسم زاده (۱۳۸۳)؛ ص ۲۳۷؛ مدنی، ج ۳، ص ۱۶۴.

مگر این که از اوضاع و احوال حاکم بر قرارداد چنین برآید که اگر متعهد نتواند به هر دلیلی از جمله اقدام متعهدله در موعد مقرر تعهد خود را اجرا کند، اجرای قرارداد دیگر مطلوبیتی نخواهد داشت. با توجه به مطالب مزبور، چنانچه متعهدله بعداً امکان اجرای تعهد را فراهم آورد، به نظر می‌رسد می‌تواند با بایع را ملزم به اجرا سازد. البته، اگر تأخیر در اجرا که مستند به عمل متعهدله است، مستلزم صرف هزینه بیش‌تری از سوی بایع شود، نامبرده می‌تواند آن‌ها را از خریدار مطالبه کند.

چنان‌که گفته شد در صورتی که عدم اجرای تعهد مستند به فعل یا ترک فعل متعهدله باشد، حق مطالبه خسارت از متعهد را نخواهد داشت. در توجیه معافیت متعهد از مسئولیت می‌توان به قاعده اقدام، لزوم رابطه سببیت بین نقض قرارداد و وقوع خسارت و برخی نصوص قانونی اشاره کرد. در زیر به بررسی این ادله می‌پردازیم.

(۱) قاعده اقدام

در صورتی که عدم اجرای تعهد از سوی متعهد به دلیل قصور متعهدله در انجام وظایف خود باشد، برای عدم مسئولیت متعهد در چنین صورتی می‌توان به قاعده فقهی اقدام استناد کرد. قاعده مزبور یکی از مسقطات ضمان است.^۱ مطابق این قاعده، اگر کسی با علم و قصد و رضا ضرر یا ضمانی را بپذیرد، هیچ‌کس ضامن او نخواهد بود و مال از کیسه خودش می‌رود.^۲ به عبارت دیگر، او دیگر حق ندارد از باب خسارت‌هایی که متحمل شده تقاضایی داشته باشد.^۳

آنچه فقها در باب این قاعده بیان کرده‌اند را می‌توان به دو بخش تقسیم کرد: الف) اقدام به زیان؛ ب) اقدام به ضمان. منظور از اولی آن است که اگر فردی با علم و اطلاع عملی انجام دهد که از ناحیه دیگری به او ضرری برسد، واردکننده ضرر مسئول خسارت وارده نیست. زیرا، شخص با اقدام خویش باعث ورود ضرر به خود شده است و دیگر حرمت مال او تحت حمایت شرع نیست. فقها در خصوص مورد دوم بیان کرده‌اند که در عقود و معاملات صحیح، التزام و تعهد به پرداخت عوض المسمی جزء تعهدات قراردادی

۱. مراغه‌ای (۱۴۱۷)؛ ص ۳۳۴.

۲. محمدی (۱۳۸۲)؛ ص ۲۲۵.

۳. کاتوزیان (۱۳۷۸)؛ ص ۱۷۷.

بوده و برای طرفین لازم الوفاء است. در صورتی که عقد فاسد باشد و یکی از طرفین، مال را از طرف دیگر تحویل گرفته باشد، عوض المسمی به عهده طرف دیگر نخواهد بود، زیرا این قرارداد به واسطه شرع مورد حمایت قرار نمی‌گیرد.^۱

در خصوص بحث حاضر نیز می‌توان از این قاعده چنین نتیجه گرفت که هرگاه متعهدله با علم و اطلاع کاری را که نباید انجام دهد، انجام دهد یا کاری را که باید انجام دهد، ترک نماید و در اثر این اقدام متعهد نتواند تعهدات قراردادی‌اش را انجام دهد و از این راه، ضرری متوجه متعهدله شود، هیچ‌کس جز او مسئول زیان وارده نخواهد بود. به‌عنوان مثال، اگر در قرارداد آمده باشد که کارخانه‌ای چوب‌های تهیه‌شده به وسیله طرف قرارداد را به کاغذ تبدیل کند و چوبی در اختیار کارخانه گذارده نشود، متعهد مسئولیتی از جهت عدم انجام تعهد ندارد.^۲

۲) لزوم رابطه سببیت بین نقض قرارداد و وقوع خسارت

یکی از ارکان مسئولیت قراردادی لزوم رابطه سببیت بین نقض قرارداد و زیان وارده است. گرچه در نصوص قانونی به این رکن مطالبه خسارت اشاره نشده، اما لزوم آن امری ضروری و بدیهی است؛ زیرا، عرف و سیره عقلاء شخص را فقط مسئول جبران ضرری می‌داند که ناشی از عمل اوست و در صورتی که بین نقض قرارداد و یا فعل زیان‌بار و خسارت وارده رابطه علیت و معلولیت عرفی وجود نداشته باشد، متعهد مسئول جبران چنین ضرری نیست.^۳ برخی مؤلفان حقوقی لزوم وجود رابطه سببیت بین نقض قرارداد و خسارت وارده را از عنوان مبحث دوم مربوط به مواد ۲۲۶ به بعد قانون مدنی که با عبارت «در خسارت حاصله از عدم اجرای تعهدات متعهد» مشخص شده و همچنین از ماده ۵۲۰ قانون آیین دادرسی مدنی که ناشی بودن خسارت را از عدم انجام تعهد یا تأخیر آن لازم برای مطالبه خسارت معرفی کرده است، استفاده کرده‌اند.^۴ چنانچه عدم اجرای قرارداد مستند به فعل یا ترک فعل متعهدله باشد، رابطه سببیت بین نقض قرارداد و وقوع خسارت از بین رفته و در نتیجه، نباید متعهد را مسئول جبران خسارت دانست.

۱. محقق داماد (۱۳۸۲)؛ صص ۲۲۱ و ۲۲۳.

۲. اسماعیلی (۱۳۸۱)؛ ص ۱۰۴.

۳. باریکلو (۱۳۸۵)؛ ص ۱۲۲.

۴. شهیدی (۱۳۸۲)؛ ص ۷۴.

۳. نصوص مختلف قانونی

از برخی مواد قانونی می‌توان این قاعده کلی را استنباط کرد که اگر عدم اجرای تعهد مستند به عمل متعهدله باشد، متعهد مسئول جبران خسارت وارده نخواهد بود. این مواد قانونی عبارت‌اند از: ماده ۲۴۰ قانون مدنی، ماده ۱۱۴ قانون دریایی و ماده ۳۸۶ قانون تجارت که در زیر آن‌ها را بررسی می‌کنیم.

۱-۳. ماده ۲۴۰ قانون مدنی

به موجب ماده ۲۴۰ قانون مدنی «اگر بعد از عقد، انجام شرط ممتنع شود یا معلوم شود که حین العقد ممتنع بوده است، کسی که شرط به نفع او شده است، اختیار فسخ معامله را خواهد داشت، مگر این که امتناع، مستند به فعل مشروطه باشد.» گرچه ماده مزبور در خصوص شرط فعل است، اما این شرط خصوصیتی نداشته و می‌توان از آن برای عدم مسئولیت متعهد در کلیه مواردی که عدم انجام تعهد مستند به فعل یا ترک فعل متعهدله باشد، استفاده کرد.

۲-۳. ماده ۱۱۴ قانون دریایی

بر طبق ماده ۱۱۴ قانون دریایی «در صورتی که متصدی حمل ثابت کند فوت یا صدمات بدنی، بر اثر تقصیر و یا غفلت خود مسافر بوده و یا عمل مسافر در وقوع آن تأثیر داشته است، دادگاه بر حسب مورد، متصدی حمل را کلاً یا جزئاً از مسئولیت مبرا خواهد کرد.» ماده مزبور گرچه مربوط به حمل و نقل دریایی است اما خصوصیتی نداشته و نسبت به تمامی مواردی که عدم اجرای قرارداد مستند به فعل یا ترک فعل متعهدله باشد، قابل اجرا است.

۳-۳. ماده ۳۸۶ قانون تجارت

ماده ۳۸۶ قانون تجارت مقرر می‌دارد: «اگر مال التجاره تلف یا گم شود، متصدی حمل و نقل مسئول قیمت آن خواهد بود، مگر این که ثابت کند تلف یا گم شدن... مستند به تقصیر ارسال‌کننده یا مرسل‌الیه و یا ناشی از تعلیماتی بوده که یکی از آن‌ها داده‌اند...» ماده مزبور نیز گرچه ناظر به مورد خاص یعنی در مورد متصدی حمل و نقل است، اما مانند ماده

۱۱۴ قانون دریایی خصوصیتی نداشته و در کلیه مواردی که عدم اجرای قرارداد از سوی متعهد مستند به فعل یا ترک فعل متعهدله باشد، قابل اجرا است.

جمع‌بندی و ملاحظات

به موجب کنوانسیون هرگاه عدم اجرای تعهد از سوی یکی از طرفین عقد بیع مستند به فعل یا ترک فعل طرف دیگر قرارداد باشد، متعهد از پرداخت خسارت معاف بوده و متعهدله علاوه بر محرومیت از مطالبه خسارت، حق استناد به سایر ضمانات اجراهای نقض قرارداد یعنی حق فسخ، الزام به اجرای عین تعهد و حق تقلیل ثمن را نخواهد داشت. شرایط معافیت متعهد از پرداخت خسارت عبارت است از: (۱) انجام فعل یا ترک فعلی از سوی متعهدله. صرف تحقق فعل یا ترک فعل از سوی متعهدله و یا مستخدمین او کافی است و نیازی به وقوع تقصیر از سوی آن‌ها نیست. (۲) رابطه سببیت بین فعل و ترک فعل متعهدله و عدم اجرای تعهد از سوی متعهد. به‌عنوان مثال، دادن اطلاعات غلط از سوی خریدار درخصوص ارسال کالا سبب عدم اجرای تعهد از سوی فروشنده شود. در رابطه سببیت، سببیت غیرمستقیم کافی است.

در حقوق ایران گرچه نص صریحی وجود ندارد که به‌صورت یک قاعده کلی معافیت متعهد را در چنین صورتی پیش‌بینی کرده باشد، ولی از قاعده اقدام، لزوم رابطه سببیت بین نقض قرارداد و وقوع خسارت و از برخی نصوص قانونی مثل مواد ۲۴۰ قانون مدنی، ۱۱۴ قانون دریایی و ۳۸۶ قانون تجارت می‌توان وجود چنین قاعده کلی را استنباط کرد. در حقوق ایران نیز متعهدله در چنین مواردی حق فسخ قرارداد را ندارد اما برخلاف کنوانسیون می‌تواند متعهد را ملزم به اجرای قرارداد سازد. البته، در صورتی که این اقدام موجب ضرر به متعهد شود، باید آن را جبران کند.

منابع

- اسماعیلی، محسن (۱۳۸۱)؛ قوه قاهره، چاپ اول، تهران، سروش.
- باریکلو، علیرضا (۱۳۸۵)؛ مسئولیت مدنی، چاپ اول، میزان.
- شهیدی، مهدی (۱۳۸۲)؛ حقوق مدنی - آثار قراردادها و تعهدات، چاپ اول، جلد ۳، تهران، مجلد.
- قاسم‌زاده، سید مرتضی (۱۳۸۳)؛ اصول قراردادها و تعهدات، چاپ اول، دادگستر.
- کاتوزیان، ناصر (۱۳۷۸)؛ ضمان قهری، جلد ۱، مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران، چاپ دوم.
- محقق داماد، سید مصطفی (۱۳۸۳)؛ قواعد فقه بخش مدنی، چاپ سوم، مرکز نشر علوم اسلامی.
- محمدی، ابوالحسن (۱۳۸۲)؛ قواعد فقه، نشر میزان، چاپ ششم.
- مدنی، سیدجلال‌الدین (۱۳۸۳)؛ حقوق مدنی، چاپ اول، جلد ۳، پایدار.
- مراغه‌ای، میرعبدالفتاح (۱۴۱۷هـ.ق)؛ العناوین، مؤسسه نشر اسلامی جامعه مدرسین قم، چاپ اول.
- Enderlein, Fritz and Maskow, Dietrich, (1992); *International Sales Law*, Oceana Publication.
- Honnold John O. (1999); *Uniform Law for International Sales under the 1980 United Nations Convention*, 3rd ed.
- Kritzer Albert H. (1989); *Guide to Practical Applications of the United Nations Convention on Contracts for the International Sale of Goods*, Boston, Kluwer.
- Lookofsky Joseph, "The 1980 United Nations Convention on Contracts for the International Sale of Goods", Available Online at: <http://www.cisg.law.pace.edu/cisg/biblio/loo80.html>
- Schafer, Editorial remarks, "Commentary on whether and the extent to which the UNIDROIT Principles may be used to help interpret Article 80 of the CISG", July 2004.
- Schelechtim, Peter (1998); *Commentary on the UN Convention on the International Sale of Goods (CISG)*, 2nd ed., Oxford.
- Schwenzer Ingeborg & Fountoulakis Christiana (2006); *International Sales*

Law, London, Routledge Cavendish.

Schwenzer Ingeborg & Simon Manner (2008); "The Pot Calling the Kettle Black: The Impact of the Non-Breaching Party's (Non-) Behaviour on its CISG-Remedies", *Sharing International Commercial Law across National Boundaries: Festschrift for Albert H. Kritzer on the Occasion of his Eightieth Birthday*, Wildy, Simmonds & Hill Publishing, 2008.

Tallon, Denis (1987); *Commentary on the International Sales Law*, Giuffrè.

Vilus, Jelena (1986); *Provisions Common to the Obligations of the Seller and the Buyer*, Dubrovnik Lectures, Oceana.

www.unilex.info/

